



فضای جنگی امروز و باز هم سقوط آزاد سوسیالیسم بورژوازی

امان کفا

با حضور اخیر جنگنده های روسی بر آسمان سوریه و بمباران های هوایی مواضع نیروهای مخالف دولت سوریه، ابعاد جنگ گسترش یافته است. ادعای هدف گیری های ذره بینی توسط این جنگنده ها همانقدر پوچ و توخالی است که شوهای تلویزیونی دیروز فرماندهان امریکایی در بمباران جامعه عراق و مراکز داعش بودند. آنچه در این گسترش جنگ واقعی است، بلایی است که امروز در سوریه بجان مردم این کشور افتاده است. سوریه امروز باتلاقی است که مردم این کشور را در سطح وسیعی بدنبال دستیابی به حداقل امنیت و فرار از مرگ، به اروپا کوچ داده است و به حق با آغوش باز مردم و بشریت در اروپا، در تقابل کامل با سیاست دولتهای اروپایی، روبرو شد.

در پس این فضای جنگی خانمانسوز، فاکتورهای متعددی بانی اوضاع امروز در منطقه خاورمیانه است. ابهام و سردرگمی قطبهای امپریالیستی در فقدان پاسخ روشن به اوضاع امروز در سطح جهان و انشقاق و رقابت های حاصل از اغتشاش در صف بندی این نیروها در خاورمیانه کاملا مشخص است. ... صفحه ۳



فصل دستمزدها؛ پرده ها بالا میرود!

مصطفی اسدپور

مباحثه حول مساله تعیین سطح حداقل دستمزد کارگران در ایران بتدریج بالا میگردد. دور نیست سالهایی که فصل تعیین دستمزد، فصل خوش رقصی شوراهای اسلامی کار در مقابل دولت بود. دوره نمایشات مسخره مستضعف پناهی، و دوره لمپنهای کف کارخانه، دوره خفه کردن اعتراضات کارگری با توپخانه و جاسوسی شوراهای اسلامی زیاد بطول نیانجامید. امروز نوبت انجمنهای صنفی است که پرچم گمراه کردن و عقب راندن صف توقعات و اعتراضات کارگری را بردوش گرفته است. خاصیت اصلی انجمنهای صنفی در آنست که "سیاسی" و مهمتر اینکه این ارگانها رسماً وابسته به رژیم نیستند. قرار نیست که چنین نقشی را ایفا نمایند. انجمنهای صنفی از یک نا کجا آباد و مطابق نقشه دولت به عنوان نمایندگان کارگری در مذاکرات سه گانه بر سر دستمزدها به جلوی صحنه رانده شدند. قرار این است که این انجمنها در لباس انتقاد از دولت، طبقه کارگر را به دنبال خود بکشاند. آش آنقدر شور است، بنیادهای نظام کاپیتالیستی آنچنان در آن جامعه انداخته است، شکافهای طبقاتی در حدی است که کسی نمیتواند بدون ارجاع به واقعیت نزد کارگر محلی از اعراب داشته باشد. مواضع دبیر انجمنهای صنفی در باره "گزارش معیشت خانوار کارگری" گویا است: "نمایندگان کارگران میگویند هزینه خانوار ۴ نفره کارگری در بهار امسال به ۳٫۲ میلیون تومان رسیده در حالی که حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومان و متوسط دریافتی تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است. آید گفت که این رقم حتی تامین کننده نیاز ۱۰ روز اول ماه کارگران نیز نخواهد بود. هم اکنون یک سوم درآمد ماهیانه کارگران تنها برای مسکن هزینه می شود. بخشهای دیگر پُرخرج سید معیشت کارگران مربوط به بهداشت و درمان، پوشاک، خوراک، حمل و نقل و ... است و کارگران برای این بخشها نیز بیشترین هزینه را می پردازند. با اینکه ممکن است در برخی از شهرها و روستاها بتوان با ارقام کمتر نیز زندگی کرد اما در کلانشهرهایی مانند تهران، درآمد پایین و کسری درآمدی مسائل و معضلات فراوانی را برای خانوار به همراه خواهد داشت. ... صفحه ۲



انقلاب برای فرانسوی ها؛ ما اهل "گذار" ایم!

فواد عبداللهی

"لائسیته چون پدیداری سیاسی - حقوقی، ناظر بر مناسبات دولت با دین، در معنا و مفهومی مشخص، در فرایند مبارزه با کلیسایسالتاری در اروپای کاتولیک و به ویژه در فرانسه با انقلاب ۱۷۸۹ ... شکل می گیرد." اما "انقلاب ۱۳۵۷ با برچیدن نظام سلطنت به استقرار سلطه دین در ایران می انجامد." لذا، "خروج از سلطه دین در ایران فرایندی بفرنج و درازمدت است. کامیابی در این راه، امری محتوم و مسلم نبوده بلکه مبارزه و شرطبندی و در گرو رشد و توسعه دو جنبش اصلی است: یکی، جنبش های تغییر دهنده و مشارکتی سیاسی - اجتماعی در گذر از نظام جمهوری اسلامی برای آزادی، دموکراسی و به طور کلی رهایی انسان ها و دومی، جنبش فکری - روشنفکری لائیک ... شیدان وثیق - لائسیته و سکولاریزاسیون (تاکیدها از من است)

از این ترم بی ربط و خارج از زمان "جنبش فکری - روشنفکری"، که ریشه در درک و فرهنگ فخر فروشی و گنده دماغی "روشنفکران منفرد" ایران نسبت به تحزب سیاسی و قائل شدن جایگاه مقدس برای روشنفکران و هنرمندان دارد، بگذریم. مطالعه تاریخ "درخشان" گشت و گذار سیاسی آقای وثیق، از سابقه فعالیت در حزب رنجبران وقت، مشاور رسمی بنی صدر و سازماندهی و هدایت "ریس جمهور"، تا حضور امروزش در جبهه "جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران"، برای کسی که وقت کند و حوصله داشته باشد خالی از لطف نیست. ایشان و حزب متبوع شان تا دیروز که چپ بودن در سطح دنیا قرب و منزلتی داشت، راست ترین و منحنی ترین نوع جریانات مدعی چپ از آب درآمدند؛ با تز "سه جهان"، مجری افتخاری سیاست های ضد کارگری فروهر (نخستین وزیر کار خمینی) شدند، با شعارهایی از قبیل "اعتصاب به صلاح کشور نیست، اعتصاب چپ روی است"، در بحبوحه مبارزات کارگری و جنبش شورایی دوران انقلاب ۵۷، مبلغ تمکین طبقه کارگر به حکومت و قانون آن شدند. در جنگ ایران و عراق، مواضع شوونیستی این جریان گوی سبقت را حتی از مبلغان رسمی رژیم ربود، تا جایی که کارگران را به شرکت در جبهه جنگ و "دفاع از میهن" فرا خواندند. ... صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری

“فصل دستمزدها” ...

(گزارش جدید وضعیت معیشت خانوار کارگری، خبرگزاری مهر، هشتم مهر ۱۳۹۴)

نقش این “نمایندگان کارگران” زمانی آشکار میشود که به دلایل این وضعیت و راه حل میپردازند:

“دولت کارفرمای بزرگ است و بسیاری از مسائل مربوط به افزایش هزینه های تولید، واردات بی رویه، فراهم شدن زمینه های اخراج نیروی کار و تضعیف فعالیت بخش های خصوصی و تعاونی ناشی از نگرش و تصمیم گیری های مدیران دولتی است، البته نه به این معنا که آنها عمدی در این کار داشته باشند اما شرایط اقتصاد آنها را به سمتی می برد که در نهایت تصمیمات خوشایندی برای فعالیت غیردولتی ها ایجاد نمی شود.”

ملاحظه مواضع دشمنانه با کارگر ابداد دسوار نیست. حتی یک رهگذر بی

خبر با این پرسش روبرو میشود که این فصل دفاع و استحقاق و صیانت حق قانونی کارگران جامعه است یا مراسم آه و شیون برای کیسه گشاد منافع کارفرمایان؟! فصل دستمزدها در ایران بیشتر از هر چیز به یک عذراداری عمومی برای دل های شکسته کارفرمایان شباهت دارد. کمتر وارونگی را میتوان سراغ گرفت که پا به پای پایمال کردن حقوق پایه ای کارگر در جامعه؛ زبان کارفرما درازتر و منت او بیشتر است! سهم دستمزد به پنج درصد از کل قیمت تمام شده کالا در ایران نزول یافته است. این تازه در صورتی است که دستمزد کارگر پرداخته شود! میشود پرسید حضرات از جان کارگر چه میخواهند؟ دیدنی است که در یک چرخش پز عالی تکنوکرات ها، فخر فروشی دانش و کاردانی، افسانه های شکوفایی جاودانه نظام سرمایه شان دود میشود و نشخوار “تقصیر دستمزد کارگران است” در دستور

ابواب جمعی بیرون و داخل حکومت قرار میگردد. رفاه سرتان را بخورد، بلاخره میشود از حضرات پرسید، چه وقت قرار است کرور کرور انسان با شکم گرسنه سر بر بالین نگذارند؟ گوشه گوشه این جامعه تبدیل به چرخ دنده فرسودگی و تحقیر و مرگ کارگر و خانواده کارگری شده است؛ کار کودک، تن فروشی، همزیستی با زباله ها و دریایی از تباهی تنها ارمغان دولت پس از دولت، مجلس پس از مجلس بوده است؛ چرا زحمت کم نمیکند؟

“فصل دستمزدها” در سال جاری، یکبار دیگر، فرصتی است که کارگر در ایران با چشم باز بنگرد که بحران تله مرگ سرمایه نیست. بر عکس، بحران مکانیسم خلاق سرمایه برای دور دیگری از استثمار است. کارگر در ایران باید با گوشت و پوست خود تجربه کرده باشد که انتظار بهبود زندگی از نظام مبتنی بر سرمایه و سود آن یکسر بیهوده است. “فصل

دستمزدها” پرده ها بالا میرود، دولت، سیاستمداران، ارگانهای اقتصادی، احزاب و شخصیتها به صحنه میایند که وحدت طبقاتی سرمایه را در دشمنی با طبقه کارگر به یکدیگر و به کل جامعه ثابت نمایند. یکبار دیگر نقل قول ذکر شده از سخنگوی انجمن های صنفی را از نظر بگذرانید! عبارتهای “واردات های بی رویه”، “بخش خصوصی”، “بخش تعاون” هر کدام بخشی از زرادخانه طبقه حاکم است که قرار است شیدادترین هایشان در لابلای آن، یک در میان پوست اصلاح طلبی، پوپولیسم، تند روی یا تعامل بیاندازند.

کوچکترین تعرض طبقاتی کارگری بر سر مساله دستمزد کافی است که تمام این بساط را یکشبه بهم بریزد. بدون اوین بلبل زبانی همگی این حضرات خاموش میبود. فصل دستمزدها هنوز ادامه دارد.

رفاه؛

(بخشی از “منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران”)

استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و..... برابر با مزد متوسط کارگر. - در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سال که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارائه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران،

حزب کمونیست کارگری - حکمیتست، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتاً یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست ایش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید. مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنوشتی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است. ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

“منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران” را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

آزادی

(بخشی از منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران)

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابری دارند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

فضای جنگی امروز...
بی شک، پایان دوره یکه تازی بلامنزاع آمریکا و "نظم نوین جهانی"، سهم خواهی های اروپا و روسیه، ناروشنی استراتژی مورد توافق این کمپ ها در رابطه با مسئله فلسطین، باز شدن فضای رقابت بین بورژوازی کشورهای این منطقه، از جمله فاکتورهایی هستند که در بلشوی فعلی عمل می کنند. انشقاق هایی که انواع و اقسام نیروهای قومی و مذهبی، دستجات و "بیکارجویان آزادیخواه"، تا حضور مستقیم نیروهای رسمی دولت ترکیه، ایران و عربستان سعودی، همه و همه بازتاب های آن می باشد. کل جناح بندی های موجود امپریالیستی و قطب بندی های شکل گرفته حول آن چه در سطح جهان و چه در منطقه خاورمیانه، در ساختن جهنم ناامن امروز، در سرکوب آزادیخواهی و شکست "بهار عربی"، کاملاً با همدیگر متفق القول هستند. همین اشتراک منافع کل سرمایه، چه جهانی و چه محلی، در قالب کردن یک تصویر سیاه و ترس از خواست و مطالبه اساسی مردم برای تغییر اساسی اوضاع است که توسط جمهوری اسلامی نیز هر لحظه در ایران پمپاژ می شود. در این میان، نیروها، جناحها و احزاب سیاسی سرمایه در ایران نیز سهم خود را، با فراخوان کارگران و مردم در ایران به دنباله روی از این و یا آن جناح سرمایه، به این یا آن دولت و قطب جهانی، "ادا" می کنند.

یکی از معیارهای مشترک بسیاری از این نیروها، در "ضد اسلامی" بودن آنهاست. "ضد اسلامگرایی" اسم رمز نیروهایی است که امروز بوضوح، در جهت اعلام همسویی بخشی از بورژوازی ایران با سیاست های مورد قبول غرب، و مشخصاً آمریکاست. بخشی از ناسیونالیست های دو آتشه و پان ایرانیست، به جمهوری اسلامی

ایراد دارند که "اسلام گرایی" جمهوری اسلامی است که قدرت و نفوذ منطقه ای را کم بها می دهد، به "عرب ها" زیادی رو می دهد، و به جو "ضد عرب" دامن می زند. بخشی از طرفداران رشد و صنعتی شدن، "اسلام گرایی" و "ضد آمریکایی" بودن آنرا دلیل عدم درایت و لیاقت کامل جمهوری اسلامی و دخالت در این جنگ ها می دانند که می تواند منافع دراز مدت سرمایه در ایران، و ارتباط با غرب را به مخاطره بیاندازد، و ارشیتکت اصلی، خامنه ای و ولایت فقیه را، عامل و بانی پیشبرد این سیاست می دانند. در این میان، شاید عقب افتاده ترین جماعت از دنیای سیاست امروز، جماعتی است که با مذاکرات و توافقات اخیر بین جمهوری اسلامی و غرب، مشخصاً آمریکا، بی افق و خود را تنها می بینند. نمونه های بارز این ها را می توان در جریانات ناسیونالیست کرد دید که روی دخالت و فشار آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی، حساب باز کرده بودند و کل استراتژی و تاکتیکشان بود و همچنین بخشی از اپوزوسیون پرو غرب، که آنها نیز در این میان بی افق و ذوب شده اند. "میلیتانت های" این جماعت، احزاب ابراهیم علیزاده و حمید تقوایی هستند. حزب تقوایی که دیروز "ارتش آزادیخواه" سوریه را بمشابه نیروی انقلاب جار میزد، و علیزاده که به امید کمک های آمریکا جهت سرنگونی جمهوری اسلامی حساب باز کرده بود، یکبار دیگر علیه "دولت ها و نیروهای اسلامی در منطقه" به آمریکا چراغ سبز نشان داده اند. هدف این "اتحاد عمل" نه بسیج نیرو و سازماندهی برای آزادی و آزادیخواهی، بلکه، اعلام وفاداری به مقابله با همان نیروهایی است که آمریکا در منطقه "مضر" می داند. مضحک تر از همه امضای دوستان سابق و منشعب ما از حزب حکمتیست در این اتحاد عمل است. مضحک به این خاطر که حتی

حکمتیست، پستی را بخوانید و

آن را تکثیر و پخش کنید!

حکمتیست را بدست کارگران

برسانید!

سازمان راه کارگر "ضد امپریالیست" نیز، بدلیل بی مشامی این گونه اتحاد عمل ها، از امضا آن سرباز زده است و گفته است که این اعلامیه مورد توافق همه از "بی بی" تا "سی سی" است! اگر سقوط آزاد و بی افقی امروز این جماعت بیانگر بی ربطی شان به طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی در ایران و منطقه است، بی افقی کامل سیاسی و اقتصادی بورژوازی ایران، امری مهم و درجه واقعی پیشروی کمونیست ها و سازماندهی طبقه کارگر در ایران است.

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

انقلاب برای فرانسوی ها ...

در قیال حمله به کردستان، کارنامه اینها سیاه تر از این حرف ها است. نه تنها یورش سیمانه جمهوری اسلامی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ را مورد تایید پرشور قرار دادند بلکه در رکاب این رژیم، مقاومت مردم کردستان را "ضد انقلاب" نامیدند.

جالب است که دیروز با تز سه جهان و اکنون با پرچم "لائسیسم و جنبش روشنفکری لائیسته" همان سیاست و همان سنت و جنبش و منش را نمایندگی میکنند. اکنون که پیشانی پان اسلامیسیم جمهوری اسلامی در برابر نسلی که بیش از سه دهه است به اسلامیزه کردن جامعه ایران تن نداده، به سنگ خورده است و ظاهرا پدیده "گذار" و دمکرات بودن مد شده است، این طیف دوباره از عقب مانده ترین و راست ترین جناح بورژوازی سر بیرون میاورد. به سیاق گذشته، هشدار میدهند که مبارزه با مذهب در ایران شرط و شروطی دارد، "فراپسندی بخرنج و درازمدت است"، در گرو ابراز وجود گروه بسیار "لایق" و "آزاداندیش" اشباح شکست خورده از پشت دیوار است که فقط سایه هاشان را مردم می بینند!! واقعا تنها اراده ثابتی که نزد اینها دیده میشود، ۳۷ سال ادامه دادن به همان اختفا هویت و تاکتیکهای "گذار" در رکاب طبقه حاکمه به سیاق سابق است.

در نتیجه تا جایی که به بیانات آقای وثیق از این طیف بر میگردد بنظر میرسد به عنوان یک "روشنفکر" یکسره از مرحله پرت هستند، اما به عنوان یک انسان سیاسی کاملا داخل باغ تشریف دارند و سعی در مشاطه گری با روند "اعتدال و تدبیر"، تحت نام "لائیسیتیه و دموکراسی" در مختصات "جامعه ایرانی - اسلامی" دارند. ایشان به زبان بی زبانی میگویند، مردم فرانسه اگر علیه

مذهب و خدا در قرن ۱۸ انقلاب کردند، دستشان درد نکند، اما لطفا مردم ایران کاری به جمهوری اسلامی نداشته باشند. پر افتخار ترین مجلس دنیا را از همان اولین لحظه خلقت برایشان دایر کردیم، بهترین رئیس جمهور دنیا را هم دارند که بدون اختفا هویت و روشهای "کار دموکراتیک" حزب توده، سازمان اکثریت و جبهه ملی بیشتر از همه شان شایسته نوبل "گذار به توسعه و صلح" است. البته امثال آقای وثیق را هم دارند که در این دوران سخت و طاقت فرسای مبارزه طبقاتی در ایران مشاور "نواندیشان دینی" و برخی مقامات دولت در روند "گذار به سکولاریزاسیون" متبوع خویش میشوند. الان هم نشد اشکالی ندارد شاید هفتصد سال دیگر به "دموکراسی" مورد نظر ایشان رسیدیم. واقعا که آدم از این همه "روشنفکری" خفه میشود. حق است که بگوییم این جنبش "روشنفکری" ایران مورد نظر آقای وثیق، توانی بیشتر از اجرای این پالماسکه را ندارد.

از مشارکت و اکثریت و توده تا تمام دیگر ریز و درشت های این نهضت روشنگری اسلامی و گنجی و سروش - ولتر و مغز متفکر سعید و پدر نگهدار و لمپن نوریزاده و دانشمند بهنود و خلاصه کل لشگر "اصلاحات" و "اعتدال" به مشروطه شان رسیده اند، اکنون آقای وثیق و عده دیگری گرز "نواندیشی و گذار" میچرخانند، مردم را میترسانند و به صرافت افتاده اند که مبدا آتش این مشروطه خاموش شود.

ایشان راه حل مدبرانه ای می دهند که نه سیخ بسوزد و نه کباب: "در ایران نیز، جنبش فکری لائیک یا سکولار به معنای جنبش روشنفکری خواهان جدایی دولت و دین - که می تواند در عین حال نواندیشان دینی مخالف دین سالاری را در بر گیرد!! - قادر به ایفای چنین نقشی می باشد."

آیا ایشان فراموش میکنند که بیش از دو دهه است این "نواندیشان دینی" و رهبران معزول دارند به عنوان یاران و مشاوران جمهوری اسلامی انجام وظیفه میکنند و نتیجه چیزی جز تداوم همان سیاست "اتحاد استراتژیک لائیسیتیه و اسلام" نبوده است؟ واقعا شما که بعد از سه دهه زندگی در اروپا، می خواهید نسل امروز جامعه ایران را تحویل اینها بدهید، حاضر هستید فرزند خود را برای آموزش دانش و تجربه دو دقیقه هم به دست اینها بسپارید؟

زیاد به دل خود صابون نزنید! اسلام قابل دفاع یا قابل مدارا آنهم در دورانی که ارتجاع داعش در منطقه افسار گسیخته است، یک شوخی بیش نیست. دوره ارفاق به اسلام و حتی تطهیر آن به اتمام رسیده است. این را خود سران گنده جمهوری اسلامی "کشف" کرده اند و به اشکال مختلف دم از "گذار" میزنند. حال، ظاهر شدن اندر عقبه این نظم و نظام هنری نمیخواهد.

مشکل شما این است که نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بویژه زنان و جوانان از اسلام، سالهاست ملات یک تحول جدی ضد مذهبی و اسلام زدایانه را در ایران ساخته است. هراس شما از این است که چگونه

میتوان قبل از آنکه این تحول به سرانجام خود برسد، جلوی آن را سد کرد و راه آن را به سمت "گذار" و مدارا با ایرانی گری و اسلامی گری گنبدیده کج کرد. تحولی که تاریخا با مقاومت بازار کسب و کار مومیائیهای تاریخ کهن شرق و هراس کل بورژوازی ایران روبرو بوده است.

پیروزی این جنبش و به سرانجام رساندن این تحول اجتماعی عظیم بر دوش یک انقلاب کارگری و کمونیستی است. نباید یک غاز برای کسی که با ارجاع به کشفیات "گذار" تحت مختصات "تاریخ و فرهنگ ایرانی - اسلامی"، مهر تأیید پای این نوع "دموکراسی" خواهی و این نوع "آزاداندیشی" ریاکارانه میگذارد، ارزش قائل شد. پذیرش و تبلیغ این دموکراسی قسطی یک رکن تداوم مذهب و ارتجاع در ایران است.

تنها یک انقلاب کارگری مانند انقلاب اکتبر که یکی از ارکانش مذهب زدایی و تیشه به ریشه مذهب در جامعه است، میتواند دست این صنعت را برای همیشه از سیاست و زندگی مردم کوتاه کند. آنوقت یقین داشته باشید که در این مسیر، یک قشر از روشنفکران آزاداندیش و آوانگارد به این جبهه خواهند پیوست.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم رفاه و آزادی در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

"مشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست بگیرید!

<http://hekmatis.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatis.com
 سردبیر: فواد عبداللهی
 fuaduk@gmail.com
 تماس با حزب
 hekmatisparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!